

حدیث روز:
از امام حسن(ع) سؤال شد: محرومیت چیست؟ فرمود: از دست دادن بهره‌ای که به تو عرضه شده بود.

پلک احساس:
ز عقل و جان و دین و دل به کلی بی‌خبر گردد کسی کز سر این دریا سر مویی خبر دارد

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۲/۴۳
اذان مغرب: ۱۷/۵۵
اذان صبح (فردا): ۵/۴۱
غروب آفتاب: ۱۶/۵۵
نیمه شب شرعی: ۲۳/۱۸
طلوع خورشید (فردا): ۷/۱۱

ج‌ام‌دیلی

شایه ۳۵۱۷۳۵۰۰-ISSN ۳۶۳۷۰
پایگاه اطلاع‌رسانی:
www.jamejamdaily.ir
پست الکترونیکی:
info@jamejamdaily.ir

یکشنبه ۱ دی ۱۳۹۸ | ۲۵ ربیع الثانی ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۵۵۶ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان Sunday - 2019 December 22

تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۳۹
تلفن: ۰۲۱ - ۲۳۰۴۰۰۰ | دوزنگار تحریریه: ۲۲۲۲۴۲۵۲
سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ | کد پستی: ۱۹۱۶۱۸۴۱۳۰
امور مشترکین: ۴۴۲۲۹۳۰ | سازمان آگهی‌ها: ۴۹۰۵۰۰۰
پیامک: ۳۰۰۱۱۲۴۰ | روابط عمومی: ۲۲۲۲۱۲۴۲
چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

امروز در تاریخ:

❏ کشتار مردم تبریز به دست قزاقان روسی (۱۲۹۰ش)
❏ شروع به کار رسمی بانک مرکزی (۱۳۳۹ش)
❏ بمباران شدید آبادان توسط ارتش بعث عراق (۱۳۵۹ش)
❏ خروج قوای فرانسوی و انگلیسی از مصر پس از پایان جنگ سوئز (۱۹۵۶م)

حکمت ۲۷۸:

❏ کار آنکی که ادامه باید از کار بسیاری که از آن به ستوه آیی امیدوارکننده‌تر است.

تهران ۱ / ۱۴ | **اردبیل** ۵ / ۱۲ | **اصفهان** ۶ / ۱۲ | **بیرجند** ۱ / ۱۳ | **تبریز** ۳ / ۸ | **ساری** ۵ / ۱۷ | **سنندج** ۲ / ۱۳ | **شیراز** ۵ / ۱۴



زیر صفر

❏ «اول يك مشتت پر آرد برمی‌داری. ببینم مشتت را! نه، تو يك مشت و نیم آرد بردار اما خوب گوش بگیر، هر وقت که مشتت به قاعده مشتت بالغ مرده‌ها شد باید يك مشتت پر آرد برداری. بعد آرد را می‌ریزی توی کاسه. بعد نمک و شکر و شیر را اضافه می‌کنی و بعد هم زرده‌های تخم مرغ را می‌ریزی. حواست با من است؟ خوب چشم بدوز ببین چه‌طور مایه شلکینه را روی ساج پهن می‌کنم. من که همیشه نیستم برایت نان بپزم پسرکم! حالا برو لباس سبک کن که شلکینه و ماستت را بیاورم.»

آن دفعه هم از پنجره کوچک آشپزخانه که به حیاط باز می‌شود، می‌پاییدمت. مثل هر بار که از کوه برمی‌گدی، مثل کوه برگشتنی. لنگه در را با پهل دادی و خمیده خمیده آمدی توی حیاط. کنار در خانه چکمه‌های یخ‌زده‌ات را درآوردی، کاپشنت را که یخ‌هایش کم کم آب می‌شد درآوردی.

دستی به کمر زدی و به سختی ایستادی و راست قامت وارد خانه شدی. به دهانم نیامد که بگویم همان‌طور خمیده هم برای من کوهی، نیازی نیست به کمر خسته‌ات زحمت بدهی. همان‌طور که به دهانم نیامد بگویم چه‌قدر از این حرف همیشگی‌ات دلم می‌گیرد.!

ین که تا می‌رسی و تکیه می‌دهی به دیوار و کف پای‌های یخ‌زده‌ات را می‌چسبانی به بخاری، می‌گویی: آخ، دارم می‌میرم از خستگی...! مرد شاید از بیکاری بمیرد ولی از خستگی نمی‌میرد پسرکم!



آن دفعه هم باز بهت گفتم دلم راضی نیست پسر نوسالم از سر درس و مدرسه‌اش بلند شود و يك پشته سنگین‌تر از وزن خودش را در شیب کوهستان به دوش بکشد. گفتم دلم چرکین است که کولبری می‌کنی. بنشین خانه و فکر درس و مشقت باش.

من می‌روم این‌ور و آن‌ور کار می‌کنم می‌گذارم روی حقوق بهزیستی خرج مایه نانی که صبح به صبح روی ساج پهن کنیم را درمی‌آورم. دوباره گفتی: این لباس‌های من را می‌بینی مادر؟ همین‌ها که روی بخار پهن کرده‌ام و کم کم دارد یخ‌شان آب می‌شود و آب از سر آستین‌هاشان قطره قطره می‌ریزد. اگر روزی نتوانم مایه نان برای خانه‌مان جور کنم، باید این گوشه بنشینم و مثل این لباس‌ها قطره قطره آب شوم.

آخ، دارم می‌میرم از خستگی...! آن شب که پشت پنجره کوچک آشپزخانه نشسته بودم و سه روز بود خبری از تو و برادرت نشده بود. همان شب که چند بیوه زن کولی ته دلم رخت می‌شستند و نفسم یکی در میان هق هق شده بود. همان شب که به برف روی کوه که از نور ماه روشن شده بود نگاه می‌کردم، تو داشتی می‌مردی از خستگی. صبح که به خانه رسیدی جوری یخ زده بودی که از شرم نان قطره قطره آب نشوی. دست‌هایت مشت شده بود. مشت‌هایت به قاعده مشت بالغ مرده‌ها شده بود.

گفته بودم مشتت که به قاعده مشت بالغ مرده‌ها شد، باید يك مشتت پر آرد برداری. بعد يك پیشانی عرق شرم را اضافه می‌کنی. بعد يك کاسه خون دل را هم می‌زنی. چه‌قدر این روزها نان درست کردن سخت شده پسرکم! آخ، دارم می‌میرم از خستگی...!

گفت وگو با نسترن ترکمن، تهیه‌کننده فیلم مستند «کولبر»

شاید به خواب شیرین «فرهاد» رفته باشد

❏ اسام‌های قشنگی است؛ منطقه هورامان، ارتفاعات ژالانه، آزاد، فرهاد... اسام‌های قشنگی است، اما اتفاقاتی که برای این نام‌های زیبا می‌افتد، تلخ است، بسیار تلخ: همین دو شب قبل بود که پیکر فرهاد ۱۴ ساله در ارتفاعات ژالانه پیدا شد، بعد از چهار روز یخ زده و بی‌جان. چند روز قبل با برادرش آزاد، در ارتفاعات ژالانه میان بوران راه گم کردند و وقتی بقیه کولبران متوجه گم شدن آنها شدند به میان برف و بوران و یخ زدند. آزاد را پیدا کردند، یخ‌زده و بی‌روح؛ اما پیدا کردن فرهاد چهار روز طول کشید. انگار از همان روزی که فرهاد تبدیل به یک مرد شد، سرنوشت راه را کج کرد تا او به مقصود و مقصد نرسد یا زیر آوار ایستون ماند یا زیر یخ‌های ژالانه. وقتی مردم بومی و امدادرسان‌های هلال احمر، فرهاد بی‌جان را یافتند و خیرش رسید به دیگران، حالا هر جای ایران که می‌خواست باشند، غبار غم پاشیده شد بر مردمانی که خود را برای شب پلدا مهیا می‌کردند. اما این پیدا، سیاه‌تر از آنی است که حتی در افسانه‌ها آمده است.

پیکر فرهاد دیروز تشییع شد، روی تابوتش گل گذاشته بودند و قرص‌های نان، او برای قرصی نان جان خود را داد. کولبرهای کردستان و کرمانشاه برای نان، جان می‌دهند. همه قصه آنها را می‌دانند و این سکوت و سکون و بی‌تفاوتی آنهاپی که می‌توانند کاری کنند اما نمی‌کنند، مثل مرگ فرهاد تلخ و گزنده است.

❏ از قاطرچی تا کولبر

از روزی که خبر آزاد و فرهاد به مردم شهرها رسید بخش‌هایی از مستند قاطرچی در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد و خیلی‌ها دیدند، قصه مکرر کولبرها را. برای نان از کوه‌ها و صخره‌ها بالا می‌روند و از آن طرف مرز جنس می‌آورند برای صاحبان زر تا آنها بفروشند و پول‌های کلان به جیب بزنند. دستمزدی که به کولبرها داده می‌شود، آن‌قدر نیست که حتی زندگی یک روز آنها را تامین کند. قاطرچی اما آنها مستندی نیست

دنیای کارتونی

علی زئوف

«تصویر يك دشت زیبا که درختان سبز رویش سایه انداخته‌اند و آسمان آبی بالای سر دشت ابرهای سفید زیبا را پیروز می‌دهد و چند کودک با لباس‌های رنگی زیر سایه درخت‌ها بازی می‌کنند و می‌خندند و لپ‌هاشان گل می‌اندازد.» پسرک همین‌طور که محو دیدن کارتون بود یادش آمد باید پرود سر کارش.

تلویزیون را خاموش کرد و بلند شد و کیسه‌اش را برداشت و راه افتاد که نان خانواده‌اش را از لابه‌لای زیاله‌های کنار ساحل سکه‌کند. به نظر من کارتون‌ها نه تنها برای بچه‌ها، بلکه برای بزرگ‌ترها هم خوبند. کارتون‌ها تصویری که تصویرسازی می‌خواهد را نشان می‌دهند. مثلاً در يك روز خاکستری پراز دود و آلودگی، تصویرساز از کنار کودکان کار می‌شود و به دفتر کارش می‌رود تا دنیای رنگی بچه‌ها را به تصویر بکشد.



عکس سال یونیسف کودکان کار فیلیپین نشان می‌دهد که در محیط بسیار آلوده مشغول کارند

در شهرهای غرب ایران زندگی و برنامه‌سازی و پژوهش می‌کند و منطقه و ظرفیت‌های آن را به‌خوبی می‌شناسد. وقتی به او می‌گویم استان کردستان ظرفیت خوبی برای گردشگری و صنایع دستی دارد که می‌تواند مردم این منطقه را از کولبری نجات دهد، می‌گوید: طبیعتی که در کردستان داریم، بی‌نظیر است. گونه‌های گیاهی و جانوری‌اش بی‌همتاست. منطقه کوهستانی بسیار زیبا که می‌تواند مقصد گردشگری داخلی و خارجی باشد، اما زیرساخت‌ها فراهم نیست. اگر گردشگران به این مناطق بیایند کردستان هم می‌تواند جایی مثل شمال کشور باشد با آب و هوای بی‌نظیر و صنایع دستی متنوع. اما در این زمینه‌ها زیرساخت‌ها فراهم نشده. اقامتگاه‌های گردشگری ساخته نشده و مردم هنوز به شکل سنتی فکر می‌کنند این منطقه امنیت ندارد. اگر ساز و کار گردشگری تامین شده و تبلیغات درست و منسجم صورت گیرد، کردستان و کرمانشاه می‌تواند به قطب گردشگری تبدیل و برای مردمانش کارآفرینی شود. اما واقعیت چیز دیگری است، مردم مرزنشین غرب به‌شدت فقیر و محرومند و انگار هیچ کس به فکر معیشت آنها نیست و در این فراموشی آنها برای تامین نان باید جان بدهند. ❏



حلقه ازدواج در میان زیاله‌ها

ترسناک‌ترین رویداد زندگی یک زوج استرالیایی رخ داد که متوجه شدند حلقه عروسی الماس و حلقه‌های نامزدی‌شان مفقود شده است. این زوج، که هویت‌شان آشکار نشده، مشغول بازسازی خانه‌شان در ملبورن برای برگزاری جشن عروسی بودند که حلقه‌های عروسی را همراه مقدار زیادی زیاله دور ریختند. به گزارش فرارید، این زوج بعد از آن‌که متوجه شدند اشتباهی جعبه حاوی جواهرات‌شان را هم بیرون انداخته‌اند وحشت زده شدند و به مرکز جمع‌آوری زیاله تلفن زدند؛ اما مرکز تعطیل بود و به آنها گفته شد باید تا روز بعد صبر کنند. آنها که تمام شب را بیدار مانده بودند، ساعت ۴ صبح روز بعد همراه مسئولان شهرداری به سراغ کامیون مملو از زیاله رفتند و ۳۰ تن زیاله را برای پیدا کردن جعبه جواهرات زیر و رو کردند و بعد از ساعت‌ها جست‌وجو در میان انواعی از زیاله توانستند کیسه صورتی رنگ زیاله‌های خود را همراه جعبه جواهراتی که داخلش بود، پیداکنند.

حکایت کسب و کار خانگی مهندس ولوبیای دریانی

❏ مهندس جوانی که پس از فارغ‌التحصیلی و گذراندن دوره خدمت مقدس اجباری در يك شرکت مهندسی دانش‌بنیان



امید مهدی‌نژاد

طنزنویس

استخدام شده بود در پی ورشکستگی شرکت که به‌نوبه خود در پی نوسانات نرخ ارز و عدم حمایت شایسته متولیان امر از شرکت‌های دانش‌بنیان اتفاق افتاد، از کار بیکار شد و پس از آن‌که مدتی به‌عنوان راننده در یکی از تاکسی‌های اینترنتی کار کرد، تصمیم گرفت با همکاری همسرش يك کسب و کار خانگی راه‌اندازی کند و از این طریق به امرار معاش بپردازد. مهندس و همسرش پس از تحقیقات و جست‌وجوهای فراوان به این نتیجه رسیدند که حوزه مواد غذایی علی‌الخصوص لبنیات و سبک زندگی سالم و ارگانیک، از مناسب‌ترین حوزه‌ها برای راه‌اندازی کسب و کار خانگی است. در نتیجه به کار کره گرفتن از ماست روی آوردند. مهندس هرروز مقدار زیادی ماست محلی تهیه می‌کرد و به‌همراه همسرش از ماست کره می‌گرفتند و کره‌ها را در قالب توپ‌های يك کیلویی به سوپرمارکت دریانی که از سوپرمارکت‌های موفق محل بود می‌فروختند. دریانی نیز کره‌ها را به دو برابر قیمتی که از مهندس خریده بود به‌عنوان کره محلی ارگانیک از روستاهای آذربایجان به فروش می‌رساند. روزی دریانی برجسب اتفاق یکی از توپ‌های کره را که از مهندس خریده بود وزن کرد و متوجه شد توپ کره به جای يك کیلو، نهمصد گرم است. ساعتی بعد وقتی مهندس برای فروش کره‌های جدید به مغازه دریانی مراجعه کرد، دریانی به او گفت: مهندس، تواز اعتماد من سوءاستفاده کردی، در حالی‌که وزن کره‌ها ۹۰۰ گرم است. مهندس گفت: ای مرد دریانی، ما يك ترازوی کف‌های داریم، اما وزنه يك کیلویی نداریم. دریانی گفت: پس با چی وزن می‌کنید؟ مهندس گفت: يك بار از تو يك کیلو لوبیا چشم‌بلبلی خریدیم و از همان به‌عنوان وزنه استفاده می‌کنیم. دریانی که با معلوم شدن کم‌فروشی‌اش ضایع شده بود سرش را به زیر انداخت. مهندس وقتی فرق کله دریانی را که کچل بود مشاهده کرد، در اثر خشم‌آبی ناشی از هتمی که دریانی به وی زده بود در حالی‌که خودش آن‌کاره بود، یکی از کره‌ها را برداشت و به کله دریانی کوبید. هم‌اکنون دریانی در بخش آی‌سی‌یوی بیمارستان بستری است و به عاقبت کم‌فروشی می‌انديشد و مهندس در کلانتری یوسف‌آباد در بازداشت است و تصمیم گرفته وقتی آزاد شد يك پیچ و کانال فروش لبنیات ارگانیک راه بیندازد و نیز با استفاده از روش‌های کنترل خشم آبی، خشم‌های آبی آتی خود را کنترل کند. ❏

شناسایی سرطان

با هوش مصنوعی

براساس مطالعه‌ای که روز سه شنبه در مجله Radiology منتشر شد، هوش مصنوعی (AI) می‌تواند از الگوهای موجود در پیش‌بینی این که زنان در معرض سرطان سینه هستند یا خیر استفاده کند. به گزارش فارس، محققان مؤسسه کارولینسکا در استکهلم يك مدل خطر را بر اساس شبکه عصبی عمیق، نوعی از هوش مصنوعی تهیه کردند که می‌تواند مقدار زیادی از اطلاعات را از تصاویر ماموگرافی استخراج کند. براساس این بررسی، شبکه عصبی عمیق، ارتباط بیشتری با خطر ابتلا به سرطان سینه در مقایسه با بهترین مدل تراکم ماموگرافی را نشان داد.